

# جوانان کمونیست ۸۰

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱۶ اسفند ۱۳۸۱

۷ مارس ۲۰۰۳

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## علیه اسلام میرقصند!



سهند  
حسین زاده

shahand\_hossainzadeh@yahoo.com

چهارشنبه سوری در ایران در سالهای اخیر به روزی بیاد ماندنی در اذهان عموم تبدیل شده است. چرا که فریاد ضد اسلامی جوانان لرزه بر اندام حاکمان اسلامی می اندازد. زنان و دختران با پرت کردن حجاب، این سمبل بردگی و حقارت، این میراث کثیف اسلامی، قوانین خدا را نفی میکنند. در هر محله و هر کوچه صفحه ۳

## روحیه ها عوض میشود!

مصطفی صابر

تحریم وسیع انتخابات شوراهای اسلامی از سوی مردم، از سر یاس و بی تفاوتی نبود. یک تحریم فعال بود. همانطور که با رای خود در دوم خرداد ۷۶ به جمهوری اسلامی نه گفته بودند و وحش اسلامی را به جان هم انداخته بودند، اینبار با عدم رای خود همان کار کردند. مردم یک بار دیگر همه را غافلگیر کردند. یک بار دیگر قدرت خود را نشان دادند. یک بار دیگر از ته دل به ریش حکومت و همه مرتجعین خنبدیند. و این روحیه ها را عوض خواهد کرد. روحیه انتظار برای اینکه آمریکا بیاید و مردم را نجات بدهد را عوض خواهد کرد. مردم فاعلتر در صحنه سیاست ظاهر خواهند شد.

پیام مردم فقط به اصلاح طلبان نبود. حداکثر تاکیدی بود بر آنچه که خیلی وقت است به اینها میگویند: بساطتان را جمع کنید! پیام مردم فقط به کل جمهوری نبود. همه میدانند که مردم مدت‌هاست حکم به رفتن رژیم داده اند. پیام شان فراتر، قدرتمندتر و راستش ترسناک تر از این بود. مردم به همه کسانی که آنها را دست کم گرفته اند پیام دادند. به بوش و مقامات وزارت خارجه اش که همین دو هفته قبل از سر مصالح جنگ با عراق یک باره یادشان افتاده بود جمهوری اسلامی دموکراتیک است پیام دادند. مردم به آنها پیام دادند که حکومت اسلامی را به انتخابی و انتصابی صفحه ۴

## فردا، ۸ مارس زنده باد آزادی زن

ما جوانان و مردم آزادیخواه خواهان برابری کامل زن و مرد، رفع آپارتاید جنسی و آزادی و رفاه برای همه هستیم و برای رسیدن به اهدافمان از هیچ کوششی دریغ نمیکیم. در ادیان مختلف و خصوصا در اسلام زنان بعنوان انسانهای فرودست به حساب آمده اند. ما علیه تمام دستها و علیه تمام سنن عقب افتاده هستیم. ۲۴ سال خفت و سرکوب برای زنان، تحقیر، حجاب اجباری و غیره از دستاوردهای رژیم اسلامی در ایران است. ما خواهان نابودی این زنان هستیم. در روز ۸ مارس با حضور خود در خیابانها در نقاط مختلف دنیا، نفرت و انزجار خود را از این نابرابری ابراز میکنیم و نماینده صدای در گلو خشکیده تمام زنان و انسانهای آزادیخواه خواهیم بود.

ما با حضور خود در این تظاهرات، از جنبش اعتراضی زنان در تمام دنیا حمایت میکنیم.

### جوانان و مردم آزادیخواه!

برای تقویت این جنبش و برای بلند کردن صدای اعتراض خودتان، با ما در تظاهرات روز شنبه ۸ مارس روز جهانی زن شرکت کنید. سازمان جوانان کمونیست واحد المان به همراه حزب کمونیست کارگری ایران روز شنبه در شهر کلن در این راهپیمایی حضور فعال خواهد داشت.

ساعت ۱۴ در میدان Ebertplatz

## مطالب ویژه ۸ مارس:

پاسخ به یک سوال

آذر ماجدی صفحه ۳

## تولد دیگر

اعظم کم گویان صفحه ۶

۹۳ سال مبارزه برای رهایی

سهیلا شریفی صفحه ۶

زن، اسلام، کمونیسم

مصطفی صابر صفحه ۳

## از شعارهای تظاهرات ۸ مارس ۵۷ آزادی، باید نباید نداره!



## از آن ۸ مارس تا این یکی

انقلاب است. در سالهای اخیر باز ۸ مارس قد علم میکند. این بار برای سرنگونی جمهوری اسلامی و مردم هم با گوشت و پوست لمس کرده اند که "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است". بویژه امسال ۸ مارس حال و هوای پرشوری دارد. حزب کمونیست کارگری طی اطلاعیه ای خطاب به زنان و مردان آزادیخواه در تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، مشهد، کرمانشاه و کردستان، خوزستان، گیلان و مازندران، از آنها خواسته است تا هرچه پر شکوه تر ۸ مارس را برگزار کنند.

عکس فوق (از تظاهرات مشهور زنان علیه حجاب در ۸ مارس، ۱۷ اسفند ۵۷) و پوستر سازمان جوانان کمونیست برای ۸ مارس امسال، بیان تصویری است از تحول ۸ مارس در ایران و انعکاس جهتی است که جامعه ایران سیر میکند. جنبش آزادیخواهی زنان اولین جنبشی بود که علیه جمهوری اسلامی قد علم کرد. و مردم دیدند که سرکوب زنان، سرکوب آزادی و سرکوب



## شکست حکومت پیروزی ما است!

شکست مضحکه انتخاباتی شوراهای اسلامی آتقدیر آشکار بود که امکان هر گونه جار و جنجال را از حکومت اسلامی گرفت. این یک پیروزی غیر قابل انکار برای مردم بود. ما این به اصطلاح انتخابات را یک "مضحکه" خواندیم و مردم در عمل آنرا به تمسخر گرفتند. بایکوت نمایش دولتی آنچه همگانی بود که دست شارلاتانها و هوجبهای حرفهای دوم خردادی در درون و بیرون حکومت، و رسانه های طرفدار آنها در داخل و خارج کشور را برای لوث کردن واقعیات از پشت بست و این بار نتوانستند سیاه را سفید و نفرت مردم را پشتیبانی جلوه دهند. اهمیت این رویداد تنها در این نیست که هر دو جناح حکومت شکست خوردند و بی آبرو شدند. مردم پیش از این نیز اینان را به شکست و رسوایی کشاند بودند. اهمیت این رویداد در این بود که "نه" مردم به حکومت آتقدیر واضح و رسا بود که دیگر هیچکدام از جناحهای رژیم اسلامی نتوانستند آنرا پیروزی خود جلوه دهند.

این یک پیروزی برای مردمی است که عزم کرده اند و اکنون پا به میدان گداخته اند تا به دوره نیکت حکومت اسلامی پایان دهند. این شکستی برای حامیان رژیم اسلامی است. این واقعه صفوف بهم ریخته و بی روحیه دو خرداد و طرفدارانشان در داخل و خارج را بیشتر از این بهم خواهد ریخت. این یک پیروزی برای جنبش سرنگونی طلب است و هر پیشروی جنبش سرنگونی یک پیروزی برای حزب کمونیست کارگری بعنوان پیشتاز مصمم این جنبش است.

جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. آزادی، برابری، رفاه و شادی حق مردم است. دست مذهب باید از زندگی مردم کوتاه شود. رژیم اسلامی باید برود. این پیام جنبش سرنگونی طلب است. شمارش معکوس برای تحقق این خواست آغاز شده است. حزب کمونیست کارگری ایران این پیروزی مردم را تضمین خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری ایران

لینک، نادر بکتاش

صفحه ۶

نامه های شما

صفحه ۶

روز زن در ترکیه

صفحه ۳

# آزادی، برابری حکومت کارگری!

## تظاهرات زنان در ۱۷ اسفند ۵۷:

## تولد دیگر

## اعظم کم گویان

azam\_kamguian@yahoo.com



۲۴ سال پیش در ۸ مارس ۱۹۷۹

تصاویر تظاهرات دهها هزار نفره زنان در خیابانهای تهران با مشتهای گره کرده و قیافه های مصمم با شعارهای آزادی و مساوات، توجه و تحسین جهانیان را برانگیخت. فرمان حجاب خمینی در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ زنان را ناگهان و یکباره بعنوان مقوله ای واحد بخاطر جنسیتشان مورد خطاب قرار داد و سرکوب کرد و زنان نیز در جنبش ۸ مارس علیه حجاب و قوانین اسلامی شرکت کردند. دور جدید جنبش آزادیخواهی زنان زیر سرکوب خونین انقلاب ۵۷ پا گرفت. اعتراضات زنان علیه حجاب با شعار "نه روسری نه توسی" سرآغاز این دور نوین بود. با ظهور جنبش ۸ مارس و رویدادهای پس از آن مساله حقوق زنان و موقعیت سیاسی و اجتماعی آنها برجستگی غیر قابل تصویری در تاریخ معاصر ایران پیدا کرد.

## " نه روسری نه توسی"

دو هفته پس از ورود به ایران، خمینی اجرای قانون حمایت خانواده را متوقف کرد و از مقامات دادگستری خواهان بررسی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۴ شد و دستور داد بندهایی از آن که ناقض اسلام هستند حذف شوند. یکروز قبل از ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ روز جهانی زن، خمینی در یک سخنرانی خطاب به جمعی از زنان گفت: " خانمها می توانند به اداره ها بروند ولی با حجاب اسلامی بروند." او هشت مارس را یک پدیده غربی و بی ربط به زنان در ایران خواند. فرمان خمینی در عرض چند ساعت در همه جا پیچید. بسیاری از زنان کارمند از رفتن به سر کار با حجاب خودداری کرده و به تظاهرات پیوستند. کارکنان زن وزارت خارجه در بیرون ساختمان وزارتخانه دست به اعتراض زدند. ۱۵ هزار نفر روز ۸ مارس در دانشکده فنی تهران جمع شدند. با وجود

خواستهای زنان جلب کنند. زنان شعار می دادند: " نه روسری نه توسی"، " آزادی باید نباید ندارد"، " در طلوع آزادی، جای آزادی خالی"، " آزادی، مساوات حق مسلم است"، " حقوق زن نه شرقی، نه غربی جهانی است" و خواهان دخالت در حیات سیاسی جامعه، دستمزد برابر برای کار برابر، آزادی پوشش و حفظ قانون حمایت خانواده شدند. گروههای حزب الله با توهین و چاقو و شلیک گلوله های هوایی و با شعار "یا روسری یا توسی" به زنان معترض حمله کردند و آنها را قهقه، هرزه، فاسد، عروسکهای غربی و عوامل آمریکا خواندند. صادق قطب زاده که محافل بورژوازی غرب و رسانه های رسمی او را لیبرال می خواندند و رئیس رادیو تلویزیون بود، تظاهراتی با شرکت صد هزار نفر بر ضد تظاهراتی زنان علیه حجاب، سازمان داد و لپمنهای اسلامی نظیر زهرا خانم را به جان زنان بی حجاب و آزادیخواه انداخت. سه هزار زن در شیراز تظاهرات مشابهی به راه انداختند. در تبریز، اصفهان و شیراز و سنجند زنان دست به تظاهراتی مشابهی زدند. کنفرانسه و جلسات متعددی در اعتراض به حجاب اجباری برپا شد. مقامات رژیم این تظاهرات را نادیده گرفته و رادیو تلویزیون اسلامی، آنها را آرتیستسیون زنان فاسد و عوامل رژیم سابق خواند. این باعث خشم بسیاری شد. هزاران زن تا ۵ روز پس از آن در خیابانها تظاهرات کردند و با لپمنهای اسلامی و چاقو کشی و تحقیر و ضربات زنجیر و پنجه بکس روبرو شدند. پس از چند روز بدلیل بالا رفتن آمار مضرورین و زخمیها و شایعاتی که این تظاهرات را به عوامل رژیم شاه منتسب می کردند، تظاهراتی خیابانی متوقف شدند.

**شور و آگاهی ناظر بر جنبش هشت مارس**

۲۴ سال پیش زنان آزادیخواه و پیشرو در ایران، فرمان حجاب اجباری و شعار "یا روسری یا توسی" از جانب خمینی و رژیم اسلامی را نه صرفا اقدامی برای تحمیل حجاب بلکه سرآغازی برای سرکوب همه جانبه زنان و اسلامی کردن جامعه دیدند. شعارهای زنان در تظاهراتی اعتراضی آن دوره بسیار خصلت نما و فراگیرتر از مقابله صرفا علیه حجاب اجباری بود. " نه روسری نه توسی"، " حقوق زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است"، " ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم"، " آزادی باید نباید ندارد" و " آزادی، مساوات، حق مسلم ماست" علیه رگم گیتی و خوشباوریهای رایج آن

زمان، نشانه شعور و آگاهی سیاسی بخش پیشرو و معترض زنان در آن دوره بود.

با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب ۵۷، خمینی و سنت اسلامی شعار " نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" را ابزار بسیج ایدئولوژیک و سیاسی خود قرار دادند. در مقابل، طرح شعار "حقوق زن نه شرقی نه غربی، جهانی است" از جانب زنان آزادیخواه در آن زمان، تاکید بر جهانی بودن حقوق زنان و محدود نکردن آن به اسلام، ارزشهای سنتی یا مرزهای جغرافیایی بود. شعار "آزادی باید نباید ندارد" نیز در پاسخ به مافوقیستی های جریان اسلامی و سنت ملی - اسلامی آن زمان بود که میخواستند فضایی را که در اثر امواج آزادی از سرکوب و سنگینی استبداد سلطنتی در جامعه ایجاد شده بود، سد کنند. شعار " ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" نیز بخوبی آگاهی زنان معترض را از مسیری که جریان اسلامی برای سرکوب انقلاب و زنان در پیش گرفته بود، منعکس می کرد. این شعار نشان می داد که این بخش از زنان دریافته بودند که چگونه فرمان حجاب، ممنوعیت قضاوت زنان، تفسیر ارتجاعی خمینی از جامعه و جهان و اقتصاد و زندگی و حقوق زنان، جامعه ایران و زندگی میلیونها زن و مرد را رو به عقب می برد و برای سرکوب خواستهای است که مردم برای آنها قیام کرده بودند. این شعار، عکس العمل بخش پیشرو زنان به اسلامی کردن جامعه از سوی جمهوری اسلامی بود. متأسفانه با ادامه سرکوب و خستیان انقلاب ۵۷ توسط رژیم اسلامی و فقدان یک قطب سوسیالیستی قدرتمند، جنبش ۸ مارس به عقب نشینی رانده شد و شکست خورد.

جنبش برابری طلبی زنان از ۱۷ اسفند ۵۷ تا ۱۷ اسفند ۸۱ راه درازی را طی کرده و به بلوغ و پختگی بیشتری دست یافته است. جنبشی که زیر سرکوب خوین سنت اسلامی شکل گرفت و اجازه نداد جمهوری اسلامی حجاب و آپارتاید جنسی را بعنوان هویت زنان در ایران تثبیت کند، جنبشی که ۲۴ سال در مقابل تازیانه و سنگسار مقاومت کرد و زنان را خار چشم جمهوری اسلامی و سنت اسلامی کرد، اکنون به یکی از ارکان سرنگونی این رژیم و تضعیف اسلام سیاسی در ایران و خاور میانه تبدیل شده است. تلاش و تحرک این جنبش این بار باید به فروپاشی بنیادهای ستمکشی زنان و تضعیف هر چه بیشتر ارتجاع اسلامی منجر شود. بدون تردید موقعیت زنان در سایر جوامع اسلام زده نیز تحت تاثیر چنین تحولاتی، دستخوش دگرگونیهای اساسی و مثبت خواهد شد.

در ۸ مارس امسال طرد و دور ریختن حجاب و پشت پا زدن به احکام آپارتاید جنسی که ۲۴ سال به میلیونها زن در ایران تحمیل شده، باید شروع خیزش نوین برای آزادی و برابری زنان بشود.

## ۹۳ سال مبارزه برای رهایی

## نگاهی به سابقه ۸ مارس سهیلا شریفی



"خیابانهای آلمان، اتریش، دانمارک و آمریکا دریای خروشان از زنان شده بود. در هر گوشه و کنار، در شهرها و حتی در خیلی از روستاها جلسات سخنرانی و بحث و گفتگو برپا بود. مردها برای اولین بار در خانه هایشان ماندند تا از کودکان مواظبت کنند و زنانشان، زانی که معمولا در چهارچوب خانه ها تظاهرات بودند، به خیابانها دویدند تا در تظاهرات و جلسات روز جهانی زن شرکت کنند."

این جملات را آلکساندرا کولوتتای فعال سوسیالیست جنبش زنان در توصیف برگزاری اولین روز جهانی زن در سال ۱۹۱۱ نوشته است.

انتخاب یک روز معین بعنوان روز جهانی زن، توسط کلارا زتکین سوسیالیست آلمانی در یک کنفرانس جهانی در شهر کپنهاگ دانمارک، در سال ۱۹۱۰ پیشنهاد شد. کلارا زتکین روز ۸ مارس، سالگرد کشتار زنان کارگر در آمریکا را که تظاهراتشان برای افزایش دستمزد توسط دولت وقت به خون کشیده شده بود، بعنوان روز جهانی زن پیشنهاد کرد و این پیشنهاد بگرمی از طرف شرکت کنندگان کنفرانس که از کشورهای مختلفی آمده بودند، مورد استقبال قرار گرفت.

سال بعد یعنی سال ۱۹۱۱ همانطور که از نوشته کولوتتای برمی آید، روز جهانی زن در ابعاد وسیعی در بسیاری از کشورهای دنیا برگزار شد. مهمترین مطالبه زنان در این سال "حق رای" بود. بعد از آن ۸ مارس تبدیل شد به روز اعتراض جهانی به نابرابری زن و مرد و به روز اعلام همبستگی با مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه زنان در گوشه و کنار جهان. بعد از پیروزی انقلاب اکتبر به پیشنهاد کولوتتای روز ۸ مارس، برای اولین بار در شوروی بعنوان روز تعطیل ملی اعلام شد و مردم هر سال آنرا جشن گرفتند.

از آنجا که ۸ مارس یک سنت سوسیالیستی بود و محدودنگریهای صنفی فیمینیستی بر آن حاکم نبود، از همان ابتدا به مسائلی بسیار فراتر از مطالبات صرفا زنانه پرداخته و تبدیل به روز اعتراض علیه نابرابریهای اجتماعی و سیاستهای ضد بشری حکومتهای بورژوا در مقاطع مختلف شده است. سالهای ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶، در حالی که شعله های جنگ جهانی اول زبانه میکشید زنان در روز ۸ مارس برعلیه جنگ به میدانها آمدند و خواستار صلح شدند. در ۸ مارس ۱۹۱۷ کلارا زتکین و کولوتتای زنان روسیه را با شعار نان و صلح به خیابانها کشاندند و به گواهی صاحب نظران سیاسی این روز تبدیل به نقطه آغاز

## جوانان کمونیست؛ برپایی جشن ۸ مارس در ترکیه

چهارشنبه ۵ مارس مراسم با شکوهی به فراخوان سازمان جوانان کمونیست واحد ترکیه و کمیته دفاع از حقوق زنان پناهنده در وان ترکیه با حضور بیش از ۱۳۰ نفر برگزار شد. این مراسم با یک دقیقه سکوت به احترام به جانبازان راه آزادی و برابری شروع شد. در ادامه معصومه شهبازی دبیر کمیته و کادر حزب کمونیست کارگری در

مهمی برای انقلاب عظیم اکتبر ۱۹۱۷ شد. امسال نیز فعالین جنبش زنان در خیلی از کشورهای دنیا تصمیم گرفته اند با شعار "زنان بر علیه جنگ" به میدان بیایند.

در ایران زنان و جنبش برابری طلبانه زنان از همان اولین سال بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی، ۸ مارس را به روز اعتراض به بیحقوقی زن، حجاب اجباری و آپارتاید جنسی تبدیل کرده اند. اولین و بزرگترین تظاهرات اعتراضی علیه حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی در سال ۱۳۵۸، تظاهرات عظیم زنان بر علیه حجاب اجباری بود. اینروز بیاد ماندنی آغاز کشمکش طولانی و خونین بین حکومت ضد زن اسلامی و جنبش زنان در ایران بود. جدلی که علیرغم سیاه ترین اختناق و بکار بردن غیر انسانی ترین ابزارها در سرکوب جنبش مدرن زنان، جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانست از آن پیروز بیرون بیاید. تلاش کردند که حتی اسم این روز را هم از خاطره ها پاک کنند، روز تولد فاطمه زهرا را تبدیل به روز زن کردند و سعی کردند، زندگی برده وار و غم انگیز این زن بدبخت را سرمشق اعتراض جهانی به نابرابری زن و مرد و به روز اعلام همبستگی با مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه زنان در گوشه و کنار جهان. بعد از پیروزی انقلاب اکتبر به پیشنهاد کولوتتای روز ۸ مارس، برای اولین بار در شوروی بعنوان روز تعطیل ملی اعلام شد و مردم هر سال آنرا جشن گرفتند.

حضور رویه گسترش زنان و مردان آزادیخواه در چند سال اخیر در مراسمی ۸ مارس در ایران، سوزاندن حجابها و جشن و پایکوبی آنها نه تنها سنت ۸ مارس را زنده نگه داشته است بلکه عملا به جمهوری اسلامی و آپارتاید جنسی نه گفته است و با سوزاندن حجابها در واقع پرچم هویت جمهوری اسلامی را سوزانده است. ۸ مارس داستان زانی است که با حرکت و مبارزه خود تاریخ زندگی بشر را عوض کرده اند، داستان تلاش انسانها برای دنیای بهتر است. این جنبش در ایران آغازگر مقاومت و مبارزه علیه جمهوری اسلامی بود و میروید که طلیعه رهایی پخش انقلاب مردم بر علیه ارتجاع اسلامی در ایران و منطقه باشد.

مورد ۸ مارس، وضعیت زنان و جنبش برابری طلبی در ایران و موضع درست و رادیکال این جنبش با در نظر گرفتن اولویت مبارزه برای برابری در جامعه و همچنین در باره حمله احتمالی آمریکا به عراق، سخنانی ایراد کرد. در ادامه تعداد از حاضرین مطالبی در مورد ۸ مارس خواندند و همچنین بیانیه تشکیل سازمان آزادی زن قرائت گردید و پیامهایی در این مراسم خوانده شد. در پایان مراسم با رقص و شادی ادامه یافت. معصومه شهبازی، مهلی حسینی.



## آذر ماجدی

### پاسخ به یک سوال: جنبش بورژوا-فینیستی یا کمونیستی

(یک توضیح: دوست عزیزمان نرسی سوالی در مورد فینیسم مطرح کرده اند. سوال را در اختیار آذر ماجدی قرار دادیم و او این پاسخ را برایمان فرستاده است. با تشکر از آذر عزیز. جوانان کمونیست.)

در این مورد که آیا فینیسم یک جنبش بورژوایی است و اگر هست این دقیقاً به چه معناست، احتیاج بیک بحث مفصل تر است. من در اینجا وارد بحث تفصیلی در این زمینه نمی‌شوم و آنرا به فرصت دیگری موکل می‌کنم و فقط بطور خلاصه به چند نکته کلیدی می‌پردازم. طی یک دو دهه گذشته معمول شده است که هر فرد یا جریانی را که برای حقوق زنان و علیه تبعیض به زنان مبارزه میکند، فینیست می‌نامند. ولی تاریخاً جنبش سوسیالیستی گرایش غیرسوسیالیستی درون جنبش برابری طلبی زنان را فینیسم بورژوایی خطاب می‌کرد. یک دلیل اصلی این تفکیک یا نامگذاری بر این استوار بود که جنبش سوسیالیستی راهی واقعی و نهایی زنان را در سوسیالیسم امکان‌پذیر میدانند ولی جنبش فینیستی بر این عقیده است که راهی زنان و برابری زن و مرد در جامعه سرمایه داری امکان‌پذیر است. دلیل دیگر از مطالبات و شیوه مبارزه متفاوت ناشی می‌شد. جنبش سوسیالیستی بر مطالبات زنان کارگر و مطالبات اقتصادی زنان کارگر و زحمتکش تأکید ویژه ای داشت، ولی جنبش فینیستی عمدتاً بر حقوق مدنی، مثل حق رای، حق تحصیل و حقوق مربوط به خانواده متمرکز می‌شد. این تمایزات مطالباتی در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی تا حدود زیادی تغییر کرد. فینیسم جنبشی است با گرایش‌های مختلف. در میان جنبش فینیستی این گرایش عام حاکم است که دلیل وجودی ستم‌کنشی

زن و نقش فرودست او در جامعه خواست و تمایل مردان به تحت ستم درآوردن زنان است. فینیسم عمدتاً بر این عقیده است که مردان در ستم‌کنشی زنان ذینفعند. این آن دیدگاهی است که کمونیسم کارگری با آن مخالف است. کمونیسم پایه مادی ستم‌کنشی زن را در کارکرد نظام سرمایه داری جستجو میکند و مساله رقابت را بعنوان پایه مادی تداوم این ستم‌کنشی در نظام موجود میدانند.

این یک تعریف و تمایز عام است. قطعاً برای شناخت جنبش فینیستی باید گرایش‌های مختلف آنرا شناخت. تقد ما به مثال این گرایش‌ها یکسان نیست. بطور مثال در شرایط حاضر در ایران بیزاری علیه وضعیت زنان بسیار وسیع و گسترده است و یک جنبش وسیع علیه ستم‌کنشی زن در جامعه وجود دارد. این جنبش هنوز یک تعیین روشن و مشخص نیافته است. این جنبش میتواند تحت نام عمومی فینیسم قرار گیرد. در حالیکه گرایش رادیکال و سوسیالیستی در میان این جنبش در شرایط حاضر بسیار وسیع است. بنظر من در این شرایط مرزبندی کردن با فینیسم و جدا کردن صفوف بر مبنای جنبش بورژوایی و پرولتری زنان کاری است اشتباه. مبارزه برای آزادی و برابری در این جنبش نقطه اشتراک آنست و باید بر آن تمرکز کرد. واضح است که برای هر چه رادیکال تر کردن این جنبش، چه در عرصه مطالبات و چه در شیوه مبارزه باید کوشید. ولی مرزبندی های سیاسی بر مبنای بورژوایی و پرولتری در این شرایط اصلاً موضوعیت ندارد. نقد تئوریک از جنبش فینیستی از دیدگاه مارکسیستی و کمونیستی کار درستی است ولی در عرصه سیاسی در این شرایط زودرس است. این یک واقعیت کارگری با جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان تداعی میشود. یک گرایش بسیار قوی را در این جنبش می‌سازد. ۸ مارس خود مبین این مساله است. کمونیسم کارگری می‌رود تا رهبری خود را بر بخش اعظم این جنبش اعمال کند و این خود یک دلیل اصلی است که خم شدن بر تمایزاتی چون بورژوایی و پرولتری فقط ما و این جنبش را به بیراهه میبرد. نه تنها در این شرایط ضرورت ندارد، بلکه به مبارزه ما ضربه میزند.

در پایان باید به این دوست عزیز بگویم که لخت شدن یک شیوه مبارزه است، یک شیوه بیان اعتراض است، ربطی به بورژوایی یا پرولتری بودن جنبش ندارد. میتوانست فینیستی باشد، میتوانست نباشد. در نتیجه از این شیوه مبارزه نمیتوان به فینیست بودن کسی رسید. در پایان امیدوارم که در فرصتی دیگر مفصلاً به این مباحث بپردازیم. زنده باد آزادی و برابری

## زن، اسلام، کمونیسم

اینکه اسلام منبع لایزالی از زن ستیزی است هیچ تردیدی در آن نیست. اما زن ستیزی که در جمهوری اسلامی، و همینطور اسلام سیاسی در سراسر جهان، شاهد آن بوده و هستیم ریشه در ۱۴۰۰ سال پیش ندارد، بلکه پدیده مدرن و متأخری است. اسلام، مانند ادیان دیگری نظیر مسیحیت، دین یهود، بودا، زرتشت و غیره بطور وحشیانه ای زن ستیز و مرد سالار است. با اینهمه منشاء زن ستیزی اسلام سیاسی نه در ملزومات ایدئولوژی دوره گذار از جامعه اشتراکی-قبیله ای اولیه به جامعه طبقاتی و مردسالار بلکه در تحلیل نهایی ریشه در مناسبات اقتصادی حاکم، سرمایه داری معاصر و تمایل آن به ارتجاع سیاسی، نابرابری حقوقی و سیاسی و حفظ فرهنگ مردسالار دارد. توجه به این نکته نه فقط در مبارزه علیه زن ستیزی اسلام سیاسی بلکه در مبارزه برای رهایی زن (که وجه اصلی رهایی بشر امروز است) حائز اهمیت زیادی است.

مبارزه با اسلام سیاسی و اسلام بی تردید یک پیش شرط رهایی زن است. اما اولاً منافع این حکومت مذهبی و کلا مذهب و ارتجاع مذهبی در دنیای امروز خود بورژوایی است. ثانیاً، رهایی زن بسیار فراتر از مبارزه با حکومت مذهبی و یا حتی مذهب بطور کلی است. مذهب و حکومت مذهبی بنا به طبیعت خود مردسالار است. اما مردسالاری و زن ستیزی به مذهب محدود نیست. نه فقط مذهب، که مثلاً ناسیونالیسم و بسیاری از شاخه های فکری و ایدئولوژیک بورژوایی از راست تا چپ، به این یا آن شکل از ستم کشی زن دفاع میکنند. حتی در بهترین حالت، آنجا که بورژوازی از لحاظ حقوقی برابری زن و مرد را طلب میکند، در عمل مبنای نابرابری انسانها یعنی بردگی مزدی را تحکیم میبخشد. اگر برابری زن و مرد از لحاظ تئوری در جامعه کنونی ممکن باشد، از لحاظ عملی مناسبات حاکم بر این جامعه، یعنی مناسبات سرمایه داری، مدافع پروپا قرص حکومت مذهبی و ستم کشی زن و حاکمیت مردسالاری بوده و هست. در خود غرب هم تحول در موقعیت زن، بهبود آن، بدست آوردن حقوق مدنی زنان جزو متأخر ترین تحولات است که علیرغم میل بورژوازی و به زور اعتراضات وسیع جنبش سوسیالیستی و جنبش برابری خواهانه زنان به آن تحمیل شده است. (برای نمونه: جنبش حق رای برای زنان که هشت مارس با آن شروع شد، انقلاب جنسی و جنبش برابری حقوقی دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی.)

دوباره جان می‌گیرد.

شهرهای ایران یکپارچه به آتشی بزرگ مبدل میشود. از تهران و تبریز و اصفهان گرفته تا سنج و ارومیه و مهاباد جوانان با جانان اسلامی درگیر میشوند. موضوع آتشدن جنی است که در دو سه سال اخیر چند روز مانده به چهارشنبه سوری نیروهای سروکیر رژیم به دستگیری جوانان و مردم آزادیخواه میپردازند. برای جلوگیری از اعتراضات وسیع و برای گستراندن فضای رعب و وحشت اقدام به کثیف ترین کارهای



## مصطفی صابر

بورژوازی نه فقط به خاطر منافع اقتصادی اش (برخورداری از کار ارزاتر زن و ایجاد رقابت بین زن و مرد کارگر، حفظ یک لشکر ذخیره کار عظیم از زنان آماده به کار یا پاره وقت، تحمیل کار بی اجر و مزد خانگی به زنان و غیره) بلکه بویژه بدلائل سیاسی، به منظور ایجاد و یا تحکیم ارتجاع سیاسی، برای مقابله با چپ و پاکبندی قدرت بلاواسطه مردم به حفظ ستم‌کنشی زن، به میدان دادن به مردسالاری و زن ستیزی بعنوان یک نیروی ارتجاعی، به تحکیم موقعیت تأمین نیروی کار ارزان و بنا به مصالح سیاسی شان یک اصل مسلم است. هر رژیم بورژوایی که در ایران بعد از جمهوری اسلامی بر سر کار بیاید به زنان (و همینطور به کارگران) خواهد گفت که بخاطر مصالح مملکت، بخاطر حفظ تمامیت ارضی، بخاطر رونق اقتصاد، بخاطر هزاران و یک بهانه دیگر، خواسته‌های کوتاه بیایند، افراطی نباشند، عقیف باشند، سر بریز باشند، به قوانین ارتجاعی خانواده و به سنت گردن بگذارند، و غیره. به عبارت دیگر پرچم ضد زنی که رژیم اسلامی بر افراشت، میتواند در شکل کمتر افراطی و تعدیل شده اش توسط رژیم بورژوایی بعدی که طبعاً حمایت غرب را هم خواهد داشت همچنان بدست گرفته شود. (البته اگر ما بکناریم)

تنها این جنبش کمونیسم کارگری است که رهایی زن جزو هویت آن است و هیچ مصلحتی بالاتر از رهایی زن و رهایی انسانها ندارد. تنها این جنبش است که دشمنی ذاتی با حکومت مذهب و ارتجاع مذهبی دارد و هیچ منفعتی در ایجاد ارتجاع سیاسی و سرکوب بخشی از جمعیت به منظور حفظ این ارتجاع ندارد. در صحنه سیاست ایران هم به شهادت همگان تنها این حزب کمونیست کارگری است که در صف مقدم مبارزه با وجوهای گوناگون ستم‌کنشی زن، از مبارزه با اسلام و جمهوری اسلامی تا نبرد علیه سنگسار تا پرچمداری آزادی بی قید و شرط سیاسی تا تأکید بر آزادی زن، معیار آزادی جامعه است، قرار دارد. در ایران مبارزه برای رهایی زن بطور عینی با مبارزه کمونیستی، به مبارزه علیه سرمایه داری درآمیخته و روز به روز بصورت یک جنبش واحد و لاینفک ظاهر میشود!

ممکن میکنند. گرفتن آدمها بدون دلیل. همان کاری که مثلاً در چهارشنبه سوری سال ۷۹ در شهر ارومیه انجام دادند که طی آن صدها نفر از جوانان را یک روز قبل از چهارشنبه سوری به زندان انداختند. مردم و جوانان آزادیخواه باید آگاه باشند که در دام چنین توطئه هایی نیفتند. پرچم اسلام و حکومت اسلامی تنها به همت مردم آزادیخواه، کارگران و سوسیالیستها و جوانان کمونیست بیزار از قید و بند مذهبی به زیر کشیده میشود. در چهارشنبه سوری نگذاریم آتشها بیهوده

توسط رادیکالها و "چپ" ها، از آن جنایاتی که علیه زنان در کشورهای اسلام زده روا میشود، تحت عنوان "فرهنگ مردم"، "فرهنگ خودشان است"، "مبارزه با امپریالیسم فرهنگی است" حمایت میکنند. رهایی زن، برابری زن و مرد، کوی می همچنان کالای لوکسی است که "مبارزه با امپریالیسم" و "حفظ تنوع فرهنگی" (ولو فرهنگ ارتجاعی و ضد زن) بر آن ارجحیت دارد!

اهمیت آنچه گفته شد در اوضاع ایران اینست که این فقط جمهوری اسلامی نیست که خواهان حفظ ستم کشی و بردگی زن است. انواع ناسیونالیسم، ناسیونالیسم رضا شاهی گرفته تا انواع ناسیونالیسم های قومی نظیر کردی و آذری و عربی، همه ضد زن هستند. برای اینها ملت و منافع ملت و منفعت های قومی شان به مراتب بالاتر از حقوق زن است. اینها همه در بهترین حالت میخواهند بر ویرانه جمهوری اسلامی یک نوع دیگر سرمایه داری را سازمان بدهند که محرومیت و ستم‌کنشی زن به منظور تأمین نیروی کار ارزان و بنا به مصالح سیاسی شان یک اصل مسلم است. هر رژیم بورژوایی که در ایران بعد از جمهوری اسلامی بر سر کار بیاید به زنان (و همینطور به کارگران) خواهد گفت که بخاطر مصالح مملکت، بخاطر حفظ تمامیت ارضی، بخاطر رونق اقتصاد، بخاطر هزاران و یک بهانه دیگر، خواسته‌های کوتاه بیایند، افراطی نباشند، عقیف باشند، سر بریز باشند، به قوانین ارتجاعی خانواده و به سنت گردن بگذارند، و غیره. به عبارت دیگر پرچم ضد زنی که رژیم اسلامی بر افراشت، میتواند در شکل کمتر افراطی و تعدیل شده اش توسط رژیم بورژوایی بعدی که طبعاً حمایت غرب را هم خواهد داشت همچنان بدست گرفته شود. (البته اگر ما بکناریم)

بوسوزند. حجاب اسلامی و دیگر تورهایش را به سوخت این آتشفشان تبدیل کنیم. بگذارید دود آتش هایمان چشم جانان اسلامی را و هرکسی که میخواهد به نجات اسلام و اختناق و استثمار برخیزد، خودشان را در دست گیرند. اختیار آدمها بر زندگی شان تنها با برقراری جمهوری سوسیالیستی میسر است. به قول منصور حکمت: اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## نامه های شما

با سازمان جوانان کمونیست تماس بگیرید. نظرات و پیشنهادهایتان را برایمان بنویسید. هیچ نامهای بی‌جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من می‌توانید از آدرسهای پستی و شمارتلفنهایی که در این نشریه آمده است و یا از آدرس مایل [bahram-modarresi@web.de](mailto:bahram-modarresi@web.de) استفاده کنید.

### بهرام مدرسی

- دوست عزیز کاظم رحیمی از سوئد، باتشکر از محبت نسبت به نشریه جوانان کمونیست، تمام خوانندگان نشریه می‌توانند برای آن بنویسند و ما از تمام نوشته‌هایی که بدستمان می‌رسند استقبال می‌کنیم. در مورد چاپ یا عدم چاپ نوشته‌های سردبیر این نشریه، مصطفی صابر تصمیم می‌گیرد. نوشته شما بدست ما رسید. اما برای هر شماره ما نوشته‌های بیشتر از آنی که می‌توانیم چاپ کنیم دریافت می‌کنیم. بازهم تشکر می‌کنیم. - دوست عزیز مسعود، ممنون از توجه نسبت به نشریه و سایت سازمان، پیشنهادت بسیار خوب هستند. ما در تلاشیم که سایت را زنده‌تر و جذاب‌تر کنیم. باز هم برایمان بنویس. - دوست عزیز سینا از پاکستان، از

گزارشات تکانه‌دهندهای که در رابطه با پناهندگان ایرانی در پاکستان برایمان فرستادی متشکریم. تمام این گزارشات را در اختیار مریم نمازی دبیر فدراسیون پناهندگان قرار دادیم. سعی کن که با فدراسیون در تماس باشی. نامه‌جاگانه‌ای برای ارسال شد. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز نرسی از کرمانشاه، نامه‌هایت به دستمان رسید. متشکر و با امید نامه‌های بیشتر - دوست عزیز هنگامه از تهران، پخش نشریه جوانان کمونیست در این تیراژ بالا برایمان بسیار خوشحال کننده است. سعی کنید که خوانندگان دیگر نشریه را به پخش و ارتباط با سازمان جوانان تشویق کنید. نامه‌های جاگانه‌ای برایمان بنویس. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز بهداد مهنی‌پور از سوئد، مقالات به دستمان رسید. در صورتی که صفحات نشریه اجازه دهد از مقاله ات استفاده خواهیم کرد. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز سعید رفیعی زاده از آلمان، مقالات به دستمان رسید. متشکریم. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز کمیا خوش پیام از ترکیه، ممنون از تبریکت به مناسبت ۸ مارس، ما هم ۸ مارس را به تو تبریک می‌گوییم. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز حامد راد از تهران، نامه‌هایت به دستمان رسید. سازمان جوانان کمونیست در سال ۵۷ و در جریان

قیام مردم علیه رژیم شاه وجود نداشت. سازمان ما در سال ۱۳۷۸ تشکیل شده است. جریانی که بعدها نام کمونیسم کارگری را بر خود نهاد در این سالها بنام اتحاد مبارزان کمونیست فعالیت میکرد که اساسا به رهبری منصور حکمت و حمید تقوایی تشکیل شده بود. این گروه در سال ۱۳۸۱ به همراه کوملپو گروهها و افراد دیگری، حزب کمونیست ایران را تشکیل داد. این حزب تا سال ۱۳۷۱ بستر اصلی حرکت و مبارزه مارکسیستی در ایران بود. بعد از طرح مباحثات کمونیسم کارگری از طرف منصور حکمت و روشن شدن اینکه آن حزب چهارچوب مناسبی برای پیش برد مبارزه کمونیستی نیست و با استعفاي منصور حکمت و بدنبال آن اکثریت کادراها و اعضای این حزب، منصور حکمت به همراه کورش مدرسی، ایرج آذین و رضا مقدم حزب کمونیست کارگری ایران را در سال ۱۳۷۰ تشکیل دادند و اکثریت اعضا و کادراهایی که از حزب کمونیست ایران استعفا داده بودند رسماً به این حزب پیوستند. سازمان ما که سازمان جوانان این حزب است همانطور که گفته شد در سال ۱۳۷۸ تشکیل شد. برای اطلاع بیشتر از تاریخچه جریان کمونیسم کارگری می‌توانی به نوشته‌های منصور حکمت در فاصله این سالها و بخصوص به سخنرانی او در کنگره سوم حزب و مباحثات او در انجمن مارکس لندن در رابطه با کومله که

رابطه فلان مامور وزارت اطلاعات به عنوان ملوک میاره و نشون میده آقای فلائی با خانم بهمانی رابطه داشته و خیلی هم فاسد بوده، فکر نمی‌کنه این موضوع رو میشه برعلیه خودش هم استفاده کرد؟ وقتی "فَساد اخلاقی" را کردیم دلیل کثافت کاری های ادارای یا جنایت های دولتی، اونوقت باید انتظار داشته باشیم زندگی خصوصی خودمون هم بشه دلیل غلط بودن تحلیل های سیاسی مون."

### کنسل شد!

[www.cappuccinomag.com](http://www.cappuccinomag.com)

"کنسل شد، به همین راحتی که گفتیم!... آره بچه ها میخواستیم چیزی رو بهتون بگم که هممون باهاش آشنااییم. ما تمام تلاشمون رو کردیم، اما خب نشد!!!...  
نماینده تالار: به خدا من دروغ نمی



## لینک

### نادر بکتاش

۱۴ اسفند ۲۰۰۳ - ۵ مارس ۲۰۰۳

### انتخابات، روسری، روز لب

[www.atash3.blogspot.com](http://www.atash3.blogspot.com)

"دلَم از این لبخند های کنایه، از این

سیاست و زندگی خصوصی  
[shabgaard.blogspot.com](http://shabgaard.blogspot.com)

اگه آقای نوری زاده فیلم و عکس از

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر  
[mosaber@yahoo.com](mailto:mosaber@yahoo.com)  
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:  
[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)  
[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)  
[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)

## از صفحه ۱ روحیه ها عوض میشود!



تقسیم میکنند. مردم به آنتهایی پیام دادند که آنها را به "رفراندم" فرامیخوانند. مردم نشان دادند که رای ندادنشان هم قدرت عظیمی دارد. مردم خشم و آمادگی خود را برای سرنگونی نشان دادند. مردم نشان دادند که آماده عمل اند.

همگی در سایت منصور حکمت وجود دارند، رجوع کنی. امیدوارم که این تاریخچه کوتاه کمکی کرده باشد. حتما کسانی را که مشتاق دانستن تاریخچه این حزب هستند را به این اسناد رجوع بده. بازهم برایمان بنویس. - دوست عزیز حمید ابراهیمی، نامتغان درباره شرکت تلفنی که معرفی کرده بودید به دستمان رسید. بازهم برایمان بنویس. - ارگان کارگزاران سازندگی، نامتغان به دستمان رسید. بازهم برایمان بنویسید. - دوست عزیز نادر علیپور، نامه‌هایت برایمان ارسال میشود. بازهم برایمان بنویس. - دوستان عزیز که از رشت و قزوین یا ما تماس گرفتید. ممنون از محبتتان. نامه‌جاگانه‌ای برایمان ارسال شد. لطفاً به مصاحبه‌های کورش مدرسی با این نشریه در شمارهای اخیر مراجعه کنید. بازهم برایمان بنویسید.

## طول موج

### رادیو انترناسیونال

برنامه های رادیو انترناسیونال،  
روی طول موج زمستانی ۴۱  
متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز  
ساعت ۹ شب به وقت تهران  
پخش میشود  
برنامه سازمان جوانان کمونیست  
شبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۹:۴۵  
Payamgir radio:  
+46 8 659 07 55  
Tel: +44 771 461 1099  
& +46 70 765 63 62  
Fax: +44 870 129 68 58  
[radio7520@yahoo.com](mailto:radio7520@yahoo.com)  
[www.radio-international.org](http://www.radio-international.org)

"یک دنیای بهتر  
را بخوانید!"

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10	دانمارک:	شیوا فرمند
0044 776 110 66 83	انگلستان:	سرور ملائکه
0049 171 15 47 661	آلمان:	امید چوری
0046 736 50 80 40	سوئد:	آزاد خدری
001 416 688 5572	کانادا:	مهدی شهابی
00905552048603	ترکیه:	
0046 70 48 68 647	دبیر تشکیلات خارج:	مریم طاهری
0049 174 944 02 01	دبیر کمیته مرکزی:	بهرام مدرسی
001- 416 434 15 45	مشاور دبیر:	ثریا شهابی
fax:001 416 434 154 5	آدرس پستی:	Jawanan
	Postfach 620 515	ئی میل:
	10795 Berlin	
	Germany	

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!